

بررسی سبکی اشعار ولایی عرفی شیرازی و مقایسه آن با پیشینیان (ص 1-19)

فاطمه ابوحمزه (نویسنده مسئول)، سید مهدی صدرالحفاظی^۲
تاریخ دریافت مقاله: 92/11/29
تاریخ پذیرش قطعی: 92/3/20

چکیده

در مقاله حاضر به بررسی سبک اشعار ولایی عرفی شیرازی شاعر قرن دهم میپردازیم. عرفی شانزده قصیده در مدح و منقبت پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) سروده است. در یک مثنوی، معراج پیامبر (ص) را بر وزن مخزن الاسرار نظامی سروده و مناقب حضرت رسول (ص) را در مثنویهای جداگانه‌ای ذکر کرده است. در بررسی سبکی، اشعار ولایی عرفی شیرازی را از لحاظ فرم و محتوا بررسی میکنیم. در بررسی فرم شعر، مختصات ادبی، مختصات زبانی و موسیقی شعر بررسی میشود. در مختصات ادبی به بررسی چگونگی بکارگیری فنون ادبی، معانی، بیان، بدیع و میزان فصاحت شعر میپردازیم. سپس مختصات فکری و اعتقادات کلامی شیعه که در اشعار ولایی مطرح شده است بررسی میشود.

کلمات کلیدی

حضرت محمد(ص)، حضرت علی (ع)، اشعار ولایی، سبک، مدح، منقبت

1. دکترای زبان و ادبیات فارسی aboohamzeh@ut.ac.ir
2. استادیار دانشگاه تهران

مقدمه

جمال‌الدین محمد فرزند زین‌العابدین متخلص به عرفی از شاعران قرن دهم هجری سال 963 هجری در شیراز به دنیا آمد و در همانجا به کسب ادب و بعضی مقدمات علمی پرداخت و تا سال 989 هجری در زادگاه خویش زندگی کرد سپس راهی هند گردید.

«مذهب عرفی طبق تذکره مرآت الشعراء شیعه بوده است با توجه به رساله نفسیه او،

دارای گرایش عرفانی نیز بوده است.» (مقدمه دیوان عرفی شیرازی، تصحیح جواهری: ص 31)

«عرفی که مطابق زمان خودش مقدمات عربی و ادب فارسی را آموخته و در خط نسخ هم خوشنویس شده و بعد به مقتضای میل فطری در همان شیراز مشغول سخنسرایی گردید. لیکن میدان هندوستان را برای جولان ادب خود وسیعتر دیده، از ایران رخت برپست. در ورود به هندوستان در محفل ادبی حکیم ابوالفتح که از امرای اکبر شاه بود داخل گشت و به سفارش حکیم معزی الیه در مجلس ادب عبدالرحیم خان خانان وارد شده مشغول افاضه واستفاضه گردید. در واقع عرفی در دو محفل ادب مذکور خصوص مجلس خان خانان که دارای ادبای بزرگ آن عصر بوده به ترقیات نائل شده استاد شعر گردید.»

(عرفی شیرازی، داعی الاسلام: ص 324)

عرفی در قصاید خود از استحکام و روانی خوبی برخوردار است. در قصاید خویش به مدح و منقبت حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) و حضرت علی(علیه السلام) پرداخته است. ممدوحان او میر ابوالفتح، اکبرشاه، شاهزاده سلیم و شاعر توانایی به نام خان خانان است. از دیگر موضوعاتی که در قصاید خود مطرح میکنند توحید باری تعالی، شکایت از زمانه، حکمت و موعظه، چیستان و بیان تفاخر است. عرفی شاعری خودستا و اهل تفاخر است.

«شهرت عرفی در قصیده سازی به چند سبب است:

1. توانایی در تتبع شیوه استادان پیشتاز خود

2. توانایی در آوردن سخن روان و خالی از تکلف و در همان حال منتخب واستوار همراه با نازک خیالیهها و مضمون یابیهایی که بعد از او مایه کار بسیاری از شاعران استاد گردید.

3. گنجاندن اندیشه‌های علمی و نکته‌هایی که میتوان از آن استخراج نمود، در قصیده و

استفاده از اطلاعات خود در خلق مضمونهای دقیق جدید.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج 4: ص 806)

« بنا به قول شبلی در سال 996 ق. دیوان عرفی شامل بیست و شش قصیده، دویت و هفتاد غزل و هفتصد قطعه گردآوری شد. اما به احتمال زیاد پس از جمع آوری اشعاری را به دیوان خود افزوده باشد. بنا به قول مآثر رحیمی رساله‌ای نیز موسوم به نفسیه به نثر نوشته است.» (مقدمه دیوان عرفی شیرازی، تصحیح جواهری: صص 23-24)

عرفی در قالبهای غزل، قصیده، قطعه، مثنوی، رباعی، ترجیع بند و ترکیب بند شعر سروده است.

«در تذکره ریاض الشعراء اینگونه به فصاحت و بلاغت اشعار عرفی اشاره میکنند: در میدان بلاغت گستری گوی فصاحت از میدان سخنوران زمان ربوده است. قصاید غرآیش خط نسخ بر اوراق سبعة معلقه کشیده، به غزلیات روح افزایش زبان طعن بر آب حیات گشوده، پختگی معانی و عذوبت کلام و تازگی مضمون را با هم جمع کرده است.» (مقدمه دیوان عرفی شیرازی، تصحیح جواهری: صص 33-34)

«از اواخر قرن نهم، شعر فارسی به سمت اغراق در نازک خیالی و توجه به تشبیه و استعاره در شعر پیش رفت. عرفی شیرازی نیز در این راستا ابتکاراتی را به جای گذاشت. از جمله مقلدان وی از فیضی در دهلی، رکنای مسیح و حکیم شفایی در اصفهان نام برده‌اند.» (عرفی شیرازی، داعی الاسلام، صص 446-447)

در این مجال به بررسی سبک اشعار ولایتی عرفی که شامل قصایدی در مدح حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) و حضرت علی(علیه السلام) است و چند مثنوی که در مدح و منقبت حضرت رسول الله(صلی الله علیه و آله) و معراج ایشان است، میپردازیم. از قصاید جمع آوری و چاپ شده عرفی هفت قصیده به مدح رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) و نه قصیده به مدح حضرت علی(علیه السلام) اختصاص یافته است.

بررسی فرم شعری عرفی شیرازی

1. بررسی مختصات زبانی

الف. لغات

از جمعهای مکسر غیر معمول استفاده میکند

تغییر دهد هیبت تو طعم نعم را
این نغمه نشیدست دگر صوت ونغم را

5/9¹ تأثیر برد سهم تو از حکم کواکب
8/15 نی غلط این نغمه به موقع نسرودم

کاربرد کلمات غیر معمول

ارخای عنان آفرینش
افلاج بنان آفرینش

7/9 ناشی ز هوای جلوه تو
10/75 در ضمن شمردن عطاییت

بسامد واژه‌های غیر فارسی

کلک گهر فشان تو رطب اللسان علم
هرچند هوا عطر دهد قوت شم را
با مطلب او مطلب اصحاب شکم را

11/108 ای مرتفع ز نسبت جود تو شأن علم
11/8 وصف گل و ریحان به هوا باز نگردد
9/23 از باغ نعیمش بده انعام و میامیز

ب. بررسی مختصات ادبی

علم بیان

فراوانی شگردهای بیانی ابیات ولایی عرفی در جدول زیر آمده است.

تشبیه به محسوس یا معقول بودن طرفین			انواع دیگر تشبیه							تشبیه از لحاظ آیینی		استعاره از نگاه ادبی	
محسوس به معقول	محسوس به محسوس	معقول به محسوس	تشبیه جمع	تشبیه مضمّر	تشبیه تفضیل	تشبیه بلیغ	تشبیه مرکب	تشبیه حروفی	مشبه دینی به حسی	حسی به مشبه به دینی	مجرده	استعاره مکنیه	
1	6	5	1	6	3	5	3	1	1	1	1	10	

1. در ارجاع ابیات ابتدا شماره صفحه و سپس شماره بیت ذکر میشود.

کنایه از لحاظ میزان اختفا		کنایه از لحاظ دلالت مکنی به مکنی عنه			مجاز	
ترویج	ایماء	کنایه در فعل	کنایه در اسم	کنایه صفت از موصوف	اسناد مجازی اسناد فعل به فاعل غیر حقیقی	مجاز در اسم
2	10	4	1	5	2	2

برخی از مشخصات سبک هندی در اشعار عرفی پدیدار است. به عنوان مثال تقسیم بیت به دو مصرع معقول و محسوس که «مصرع معقول (پیش مصرع) یعنی مصرعی که در آن شاعری داده میشود [شاعر در این مصرع طرح مطلب میکند] میتواند تکراری و تقلیدی باشد اما مصرع محسوس (مصرع برجسته) یعنی مصرعی که شعار را تبدیل به شعر میکند باید تازه و ابتکاری باشد و رابطه بین این دو مصرع در اساس تشبیهی است. البته نمونه هایی هم هست که مصرع اول محسوس و مصرع دوم معقول است.» (سبک شناسی شعر، شمیسا، صص 288-

(290)

این بیت عرفی مثال مطلب ذکر شده است:

40/50 اگر ز روی ضمیرت نقاب برخیزد
به رنگ سایه شود آفتاب چشمه نور

تشبیه محسوس به محسوس

2/64 گرمابه جهان جلال ترا بود
از مهر و ماه جام و ز هفتم سپهر طاس
11/133 مرا بر زشتی اعمال، نومیدی گواه
دورم از حسن عمل چون روسپیدی از گناه
20/38 کتابه اش که بود سرنوشت عالم کون
چو بوی جامه یوسف برد ز دیده غبار

تشبیه معقول به محسوس

2/75 لطف تو چمن طراز امکان
خشم تو خزان آفرینش

عرفی از تشبیهاتی که پیچیده تر درک میشوند استفاده میکند و این به نازک خیالی در شعر سبک هندی مربوط است. برای مثال نمونه هایی ذکر میشود:

تشبیه مضمّر

14/48 جمال صدر نشینان ز نور چهره‌او
چو انجم از اثر شاه اختران مستور
در نهان، شاعر جمال پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آفتاب و اطرافیان ایشان را به
ستارگان تشبیه کرده است.

32/50 از آن نفس که برون داده‌اند گوهر تو
به گنج صنع نمانده تعلق گنجور
شاعر در واقع گوهر وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برابر تمام گنج آفرینش دانسته
است.

14/128 زهی فروغ ضمیر تو شمع بزم رسول
زهی وجود شریف تو ختم صنع الله
در منقبت حضرت علی (علیه السلام) شاعر، فروغ و روشنایی ضمیر وجود امیرالمومنین
(علیه السلام) را به شمع روشنایی بخش محفل رسول الله (صلی الله علیه و آله) تشبیه کرده
است و وجود شریفشان را ختم صنع الهی دانسته است.

4/108 جیب و کنار عقل ز گوهر لبالب است
تا باز کرده‌ای لب گوهر فشان علم
بطور نهانی شاعر در این بیت که از قصیده‌ای در مدح حضرت علی (علیه السلام) است،
علم ایشان را به گوهر تشبیه کرده است.

تشبیه تفضیل

17/63 لیل و نهار نسبتشان منعکس شود
گر مه ضیا کند ز ضمیر تو اقتباس
9/108 علمست جان هر که بود معنوی نهاد
الا فطانت تو که گردید جان علم

تشبیه مرکب

10/105 آسمان نهمین حصر شکوه تو کند
در میان گیرد اگر دایره را نقطه جیم
11/133 مرا بر زشتی اعمال، نومیدی گواه
دورم از حسن عمل چون روسپیدی از گناه
15/107 شاهها منم که درد و غم و غصه متصل
آیندم از قفا چو سپاه از پی علم

بیت بالا تشبیه مرکب است. درد و غم و غصه که پی در پی میرسد چون سپاهی است
که پشت علم میروند.

تشبیه مضمّر تفضیل مشروط

31/50 ز نور ناصیه ات ماه گر ضیا گیرد
به آفتاب دهد نسخه سنین و شهر
40/50 اگر ز روی ضمیرت نقاب برخیزد
به رنگ سایه شود آفتاب چشمه نور

تشبیه حروفی

12/134 سینه مد الف بشکافد و بیرون جهد چون در اثنای پریشانی نویسم تیر آه

تشبیهات عرفی از نگاه آیینی

تشبیه مشبه دینی، به مشبه به حسی

6/39 گلیست در چمن صنع شکل قبه او که عرش داشته بر دور او، ز کنگره خار

تشبیه مشبه حسی به، مشبه به دینی

16/108 آن مایه دشمنی که به علمست جهل را ای کعبه وجود تو دار الامان علم

عرفی در اشعار ولایتی خود بیشتر از استعاره مکنیه استفاده کرده است و نوآوری خاصی هم در این زمینه نداشته است.

شاعر از انواع کنایه زیاد استفاده میکند. در اینجا تنها به بررسی کنایه های اشعار او از لحاظ مکنی عنه میپردازیم.

کنایه در فعل

6/9 انعام تو بردوخته چشم و دهن از احسان تو بشکافته هر قطره یم را

7/10 تا نعت تو آمد ز مشیت بنوشتن بالا نگرستن بشد از یاد قلم را

کنایه از اینکه نعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنقدر زیاد است که قلم از روی کاغذ برداشته نمیشود.

کنایه در اسم

2/8 از رغبت دنیا، الم آشوب نگرדם زمین باد پریشان نکنم زلف علم را

الم آشوب کنایه از پریشانی

کنایه صفت از موصوف

6/70 شهنشاه سریر قاب قوسین احمد مرسل که بر پریشانی تقدیر مرقوم است فرمانش

7/70 شهنشاهی که فرآشان بزم او به صد منت به فرش عرش میریزند گرد فرش ایوانش

8/70 شهنشاهی که هست از غایت درویشی و همت وجود خود فراموش و غم عالم فراوانش

9/70 شهنشاهی که چون آماده شد جمازه جاهش فرو بستند از عرش برین محمل بکوهانش

2/396 مژده رساند بر روح الامین کای تو بشارت بر سلطان دین

نمونه‌هایی از کاربرد مجاز در اشعار عرفی بررسی میشود.

اسناد مجازی (اسناد فعل به فاعل غیر حقیقی)

9/11 ای بخت چنان مکن که آخر
ممنون ائثر کنم دعا را
7/63 گفت آسمان مرا که بگو این چه منظرست
کز رفعتش نه وهم نشان داد و نه قیاس

مجاز در اسم

6/50 از آن نفسی که برون داده اند گوهر تو
به گنج صنع نمانده تعلق گنجور
کلمهٔ نفس به علاقه لازم و ملزوم به معنی دم و لحظه است.

16/9 تا نام ترا افسر فهرست نکردند
شیرازهٔ مجموعه نسبتند کرم را
کلمهٔ افسر به علاقهٔ ذکر محل و اراده حال به معنی بالا و ابتدا است.

نوآوریهای عرفی در علم بیان در بحث تشبیه دیده میشود. استفاده از تشبیه با ارکان آیینی، تشبیه مضمّر، تشبیه تفضیل، تشبیه مشروط، تشبیه مضمّر تفضیل مشروط و تشبیه حروفی از جمله نوآوریهایی است که میتوان از آنها یاد کرد.

فصاحت

عرفی در معراجیه‌ای که برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) سروده؛ کلام روان، شیوا و موزون است.

13/398 یک دو قدم با قدم خویش رفت
تا به در عرش برین پیش رفت
14/398 سدره سراسیمه ز غوغای نور
غوطه زنان عرش به دریای نور
15/398 مانده نه بر وجه مسافت قدم
زان سوی هستی برون از عدم
16/398 نیستی و هستی از آن پایه دور
وز قدم نور لب سایه دور
17/398 سود و زیان مانده به طاق عدم
هستی خود هشته در اول قدم
شعلهٔ بازار جهان پست گشت
18/398 از می نابود مکان گشت مست
مرغ تن افتاد تپیدن گرفت
کی گهر گنج الهی درآی
19/398 پای طبیعت ره دامن گرفت
عزم درون کرد ادب پیش پیش
20/398 از حرم ایزدی آمد ندای
شسته قدمها به گلاب حیا
21/398 آن به روش محرم دل‌های ریش

22/398 رعشه بر اندام ز تاب حیا

تعقید و پیچیدگی در شعر

گاهی به علت طرز جمله بندی یا ازدحام تصاویر، فهم بیت مشکل شده است:
 2/125 گرگزیند سرمه جز خاک درش مژگان چو باز
 چنگل اندازد بزاع دیده بینای^۷ باز
 بعلت ازدحام تصاویر فهم بیت مشکل شده است.

3/63 آورده گوشوار مرصع به هدیه ، عرش
 کز وی علو شأن ستاند به التماس
 از آفتاب شعشعه در گردنش قطاس
 3/64 جاه ترا سپهر سمندی بود که هست

اشعار عرفی از جنبه علم معانی بررسی گردید و نوآوری قابل ذکری یافت نشد.

بدیع

فراوانی شگردهای بدیعی ابیات ولایتی عرفی در دو قسمت بدیع لفظی و بدیع معنوی مورد بررسی قرار گرفته است.

1. بدیع لفظی

جناس				تکرار		
افزایشی	اختلافی	خط	اشتقاق	شبه	واج آرای	تصدیر
1	8	2	2	3	2	1

مثال برخی از آرایه های بدیع لفظی

جناس اختلافی

شکنج زلف و سخای تو موج دریا بار

41/2 غبارصحن و سرای تو اوج هفت اورنگ

جناس خط

ورنه که داند به توره یافتن

4/392 نیست ادب روی ز ره تافتن

باغ تو از فیض تو معمور باد

2/402 قبض ترا نامیه مزدور باد

که ما به روز ازل ناظریم و او منظور

جناس اشتقاق

- 21/48 وگرسور نئی تا بگویم این آنست
 7/129 شودمثال در آئینه مضطرب زانسان
جناس شبه اشتقاق
 4/9 تا شاهد علم و عملش چهره نیفروخت
 13/42 به آستین کریمش که هست گنج افشان
تصدیر
 5/39 غبار فرش حریمش به تاج عرش نشست
- کز اضطراب دل آب، عکس عارض ماه
 معلوم نشد فایده نی کیف و نه کم را
 به آستان حریمش که هست ناصیه زار
 اگر ز جنبش موری بلند گشت غبار

2. بدیع معنوی

تلمیح				اغراق	حسن تعلیل	حسامیزی	معادله اسلوب	تنسیق الصفات	مشاکله
به آیات قرآن	به حدیث	به حوادث تاریخی	فرهنگ عامه	1	14	44	7	4	1
7	5	5	2						

پارادکس	تجزید	التفات	تجاهل العارف	تضاد	اسلوب حکیم	تناسب	لف و نشر	حسن طلب	ابهام ترجمه
2	8	2	2	10	2	13	1	1	1

همانطور که ملاحظه میشود شگردهایی که کلام را مخیل میکنند مانند حسامیزی، حسن تعلیل، تلمیح و اسلوب معادله در اشعار عرفی بسامد بالایی دارند.

تنسیق صفات

شاه نجف، علی ولی، معدن کرم	17/106 سلطان دین، وصی نبی، قهرمان شرع
محیط عالم دانش، علی، ولی الله	13/128 شه سریر ولایت، امام خطه شرع
صورتش مرآت معنی، معنیش صنع اله	18/133 قهرمان عرش مسند، داور امی لقب
یعنی علی، جهان معانی، امام ناس	10/63 این قصر جاه، واسطه آفرینش است

تلمیح

1. تلمیح به آیات قرآن

شنیدم آیت «لا تقنطوا» ز عالم نور	1/47 اسپیده دم که زدم آستین به شمع شعور
تلمیح به آیه 53 سوره مبارکه زمر «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»	8/47 تو در معامله اهبطوا متاع مخر
تلمیح به آیه 36 سوره مبارکه بقره دارد «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»	76/1 انعلین تو تاج قاب قوسین
تمکین توشان آفرینش	به آیه 8 و 9 سوره مبارکه نجم «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» تلمیح دارد.

2. تلمیح به احادیث

11/104 دوش بر دوش نبی درشرف ذات علی که عدیم است عدیلش چو خداوند کریم اشاره به حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى - وَخُلِقْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا وَ عَلِيٌّ فَرْعُهَا، - وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا» (شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، 2/ 203)

13/148 سر اعدا به تن عداوت داشت مظهر لا فتی فرستادی بیت تلمیحی به این حدیث دارد. «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَنظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَى جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ ذَهَبٍ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ يَقُولُ: لَسَيْفٌ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ، وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (الكافی، 270/15)

16/394 ز او نهج شرع گرانمایه طرز جامه لولاک بر او تنگ درز این بیت تلمیحی به حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک» (بحار الانوار، 15 / 28) دارد.

ایهام ترجمه

هنوز دیده معنیت هست عین قصور 18/48 کدام کحل که نگرفتی از هدایت ما لف و نشر

هیبت متصور نشد آرامش و رم را 3/9 تا رایت عفو و غضبش سایه نیفکند مذهب کلامی

تاریخ تولد بنوشتنند عدم را 1/9 روزی که شمردند عدیلش ز محالات حسن تعلیل

که بر کرشمه ما تنگ بود خلعت طور علت انحنا فرستادی 7/47 نه کوتاهی ز عطا بود عشق میداند از آن فروغ که بر وی فشاندی از رخسار 2/148 ای که از حمل نعت او به فلک به هر جهت که رود هست روی بر دیوار 8/41 هنوز ناصیه آفتاب در عرق است

که مغز سوخته در استخوان شود شیرین 9/41 ز شرم نور جمال تو آفتاب هنوز حسامیزی

ز مدح شاه زمین و زمان شود شیرین 10/119 چنان خلد به رگ و ریشه ام شمایل تو ز نور ناصیه اش آستان شود شیرین 13/119 چنین که شد لبم از زهر فتنه تلخ، مگر

کای اوج عرش سطح حزیض ترا مماس 16/119 بر آستانه طبعش کسی که سجده کند

تجاهل العارف

^{1/63} این بارگاه کیست که گویند بی هراس

اسلوب معادله

14/9 تا مجمع امکان و وجوبت ننوشتند

39/50 به عهد حکم تو امر قضا چنان منسوخ

1/107 عزم طواف کعبه ز کویش چنان بود

التفات

^{18/51} تویی که کرده ضمیرت ز روی شاهد عقل

5/52 حسود جاه تو بادا از شاهد مقصود

تجربید

عرفی گاهی در خطاب به خویش از ناتوانی بیان منقبت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمومنین و ائمه (علیهم السلام) میسراید:

ز لاف حوصله یادآر و طی کن این زاری
مدح شه کونین و مدیح کی و جم را
آهسته که ره بردم تیغ است قدم را

^{1/63} خموش عرفی از این شکوه ملال انگیز

^{18/9} هشدار که نتوان به یک آهنگ سرودن

^{17/9} عرفی مشتاب این رهنعت است نه صحرا

پارادوکس

خورشید روشنی کند از سایه اقتباس
سایه نور است ولی نور زای

5/63 از بس که نور بارد از او درحوالیش

8 /395 ظل الهی است ولی ظل زدای

عرفی در صنعتهای بدیعی نوآوریهای در عرصه های مذهب کلامی ، تنسیق الصفات ، حسن تعلیل و برخی از تلمیحات به کار گرفته دارد.

نوآوری در مضامین شعری

در ابیاتی که به مدح پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) سروده است، بیشتر به مضمونهای ادبی و صور خیال توجه داشته تا به ذکر فضایل حضرات (علیهم

السلام) و مضامین دینی و آیینی. در ابیات زیر نوآوریهای در مضمون پردازی دارد.

قدسیان را غذا فرستادی

زد علم دعوی پروانگی

1/148 نوآوری کز لطافت نفسش

بالش، مملو ز پر جبرئیل 5/395 روح امین با همه فرزاندگی
 14/395 تکیه گهش بالش وحی خلیل

موسیقی

الف. عروض

در ابیات یک قصیده گاهی فعلاتن به مفاعلن یا فعلاتن به فعلات و یا فعلن به فع لن تبدیل میشود.

منم آن سحر بیان کز مدد طبع سلیم نبرد ناطقه نام سخنم بی تعظیم
 از حجاب سخنم بس که عرق داد برون صورت شیشه برآورد زلال تسنیم
 در ابیاتی فعلاتن به فاعلاتن تبدیل میشود و همچنین از قاعده تسکین استفاده کرده
 فعلن به فع لن تبدیل میشود.

^{78/80} تبارک الله از این آسمان شتاب کزنگ که نعل آینه رنگش ندیده رنگ درنگ
 وگر گشاده شود از هجوم غم دل تنگ 2/80 اگر به ساحت میدان او درآید غم
 بحرهای زیر را برای مدح حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) و حضرت علی(علیه السلام) انتخاب کرده است .

هزج مثنی‌اخرب مکفوف محذوف در یک قصیده ، هزج مسدس اخرب مقبوض (محذوف) در دو قصیده، رمل مثنی‌مخبون محذوف در یک قصیده، رمل مثنی‌محذوف در دو قصیده، مجتث مثنی‌مخبون محذوف در سه قصیده ، مجتث مثنی‌مخبون اصلم در سه قصیده، مضارع مثنی‌مکفوف محذوف در یک قصیده ، سریع مسدس مطوی مکشوف در معراجیه و سه مدح پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قالب مثنوی، خفیف مسدس مخبون اصلم در یک قصیده .

شاعر از اختیارات شاعری بسیار استفاده کرده است.

در ابیات یک قصیده گاهی دو هجای کوتاه را به یک هجای بلند تبدیل کرده است.

سپیده دم که زدم آستین به شمع شعور شنیدم آیت لاتقنطوا ز عالم نور
 به دل ز شاهد بزم ازل ندا آید که ای تمام وفا از رضای ما بس دور

ب. قافیه

شاعر گاهی از ردیفهای خاصی در شعر خود استفاده میکند.

ردیف علم را در مدح حضرت علی(علیه السلام) انتخاب میکند. که یادآور این سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که فرمودند: «انا مدینه العلم و علی بابها»

ای مرتفع ز نسبت جود تو شأن علم^{1/108} کلک گهر فشان تو رطب اللسان علم
ای ساکنان مصر معانی به حسن عقل^{2/108} نادیده یوسفی چو تو در کاروان علم

عرفی در یک قصیده‌ای که در مدح حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و در دو قصیده‌ای که در مدح حضرت علی(علیه السلام) سروده تجدید مطلع کرده است.

بررسی محتوایی و فکری

ارزشگذاری عواطف

عرفی مدح حضرت رسول الله(صلی الله علیه و آله) را سعادت برای خود میدانند.

16/8 دوران که بود تا کند آرایش مسند مداح شهنشاه عرب را و عجم را
شاعر از چندان عاطفه ای نسبت به حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) برخوردار است که معتقد است خداوند به جبرئیل میفرماید تا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را اینگونه به معراج فراخواند:

لب بگشائی به طلبکاریش 5/396 هان نکنی کز پی بیداریش
دامن ریحان عطا برفشان 6/396 دم به دم آهسته تر از باغ جان
خود بگشاید مژه خواب دوست 7/396 از اثر بوی که داند چه بوست

گاهی عرفی تحیر خود را در چگونگی والایی و ارجمندی حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) بیان میکند:

تن در نهد قامت تعظیم تو خم را 28/9 گر جوهر اول به حریم تو درآید
کز مدح ندانم من حیرت زده دم را 5/10 هرگاه که در مدح بلغزم تو ببخشای
ز شاهراه تحیر نکرده بود عبور 16/48 هنوز در دلم این معنی خجسته اثر

شاخصهای اعتقادی

دربیتی از قصیده ای که در مدح رسول الله (صلی الله علیه و آله) سروده است به بیان احکام شرعی پرداخته است:

8/47 تو در معامله اهبطوا متاع مخر که ناصحیح بود بیع و سعی نامشکور
در بیتی با تکیه بر لطف حضرت علی (علیه السلام) با اباحه‌گری بیان میکنند که غمی از
معاصی بی حدّ و قیاس ندارد.

15/45 وگر ولای تو ابلیس را شود زورق
14/45 نه در پناه ولای توام؟ چه غم که بود
4/51 از عود مهر و گلاب وفلاست عنصر من
15/51 به بزم جنتیان انجمن طراز بهشت

بسامد ذکر اماکن مذهبی در شعر خاقانی بیش از دیگر شاعران است. الف. تعداد اماکن مذهبی و اسلامی که برشمرده است از دیگر شاعران بیشتر است: مسجد خیف، کوه ابوقبیس، کوه احد، مسجد الاقصی، میقات، مشعر، دارالسلام، بیت المعمور، جبل الرحمه، بطحاء. اماکن غیر معروف را هم یاد کرده است. ب. تعداد دفعاتی که از برخی اماکن مذهبی نام برده است قابل توجه است: کعبه، بیت الحرام و بیت الله¹²⁹ مرتبه، خراسان و طوس 50 مرتبه، کوه ابوقبیس 10 مرتبه.

با توجه به فراوانی اماکن مقدسه در شعر فارسی، عرفی شیرازی از اماکن مقدس تنها به نجف و مدینه اشاره کرده است.

22/31 به کاوش مژه از گور تا نجف بروم
125/1 کز جهان در یثرب آرم روی درگوش آیدش
اگر به هند به خاکم کنی و گر به تتر
مرحبا یا امتی از مرقد مولای من

اعتقادات کلامی شیعه

با توجه به تعدد موضوع در اعتقادات کلامی شیعه فقط به مسایلی که مورد توجه عرفی قرار گرفته است میپردازیم و پیشینه این تفکر را در شعر دیگر شاعران بررسی میکنیم.

جبر و اختیار

«جبر و اختیار» مطرح در فلسفه و عرفان با آنچه که در وحی هست نسبتی ندارد. «اشاعره معروف به قول جبر در افعال هستند و فعل عبد را مخلوق خدای تعالی و مکسوب عبد

میدانند. معتزلیها معروف قول به تفویض هستند که امر فعل، مفوض به بشر است بی مدخلیتی از حق تعالی در آن. از علما و حکمای امامیه نقل شده که فعل بنده، مخلوق بنده است بی واسطه و مخلوق خدای تعالی است به واسطه. «(میزان المطالب، تهرانی، ص: 311)

«بر اساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام، افعال انسان نه جبر است و نه تفویض، بلکه «امر بین الامرین» است که از آن به «اختیار» تعبیر میشود.

جبرباوری عرفی در بیت زیر نمود یافته است:

37/50 ز سر کلاه حکومت به دامن تو نهاد قضا که هست دو عالم به حکم او مجبور

شفاعت

شفاعت در شعر فارسی اغلب رهاورد رسول الله از معراج برای امت خویش معرفی میشود. خاقانی درباره شفاعت چنین میسراید:

اگر ز عارضه معصیت شکسته دلی ترا ضمانت احمد ضمان کند به شفا
به یک شهادت سر بسته مرد احمد باش که پایمرد سران اوست در سرای جزاء
(دیوان خاقانی: ص 13)

عرفی با همان دیدگاه رایج در شعر فارسی درباره شفاعت امت حضرت محمد (ص) در

معراجیه خود چنین سروده است:

398/9 مرحمت عام به جوش آمدش مرغ شفاعت به خروش آمدش
398/12 مرهمی آورد فرا درد ما ذیل گنه پاک شد از گرد ما
در جای دیگر میسراید:

21/147 بد نکردی شفاعت خود را

نظامی در معراجیه‌ای که برای رسول الله سروده درباره شفاعت چنین میسراید:
لب به شکر خنده بیاراسته امت خود را به دعا خواسته
همتش از گنج توانگر شده جمله مقصود میسر شده
پشت قوی گشته از آن بارگاه روی درآورده بدین کارگاه

(مخزن الاسرار نظامی: ص 19)

قلمرو عقل و شرع

شیعه امامیه درمسأله حسن و قبح افعال دارای دو عنصر اساسی است نخست آنکه خوبی و بدی بعنوان یکی از ویژگیهای اعمال در نظر گرفته میشود (که از این به حسن و قبح بذاتی

و در مقابل الهی تعبیر میشود.) و دیگر آنکه عقل آدمی را بر درک خوبی و بدی اعمال توانا میدانند. (که از این به حسن وقبح بعقلی و در مقابل شرعی تعبیر میشود.) با وجود این امامیه معتقدند که انسان به دلیل محدودیت عقل و آگاهی قادر نیست ارزش همهٔ افعال را به درستی دریابد از این رو در مواردی که نمیتواند حسن و قبح عقلی اعمال را درک کند نیازمند دین و شریعت است.

عرفی درباره قلمرو عقل و شرع چنین سروده است :

درصدد زینت و آرایشند
 2/403 شرع تو را جمله در افزایشند
 گر بنمایم شناسیش باز
 3/403 بس که در افزوده در او برگ و ساز
 شرع تو چون تیغ تو عریان به است
 4/403 گرچه از این طایفه پنهان به است
 دست به دست آمدنش سکه شست
 5/403 این زر بی غش که بر او نام توست

عرفی در قرن دهم با گسترش اندیشه شیعی در اشعار خود به مسألهٔ بدهاء¹ اشاره میکند که سخت میتوان این اندیشه را در شعر شاعران گذشته دید :

39/50 به عهد حکم تو امر قضا چنان منسوخ
 که از نزول کلام مجید حکم زبور

فلسفه

جریانی که دربارهٔ ورود فلسفه به شعر فارسی قابل مشاهده است مخالفت با فلسفه به علت برخی از تناقضات مسایل فلسفی با مسایل دینی است. از جمله شاعران این جریان میتوان از سنایی، خاقانی، عطار، مولوی، سیف الدین محمد فرغانی و نورالدین عبدالرحمن جامی نام برد .

عرفی گاهی از اصطلاحات فلسفی در اشعار خود استفاده میکند:

2/47 به دل ز شاهد بزم ازل ندا آمد
 که ای تمام وفا از رضای ما بس دور
 3/52 به یک لباس ننگجد به جوهر اول
 ز ازدحام معانی ز کبریای شعور
 15/104 خانه زادخردش جوهر اول با وی
 گفت کای دانش من در بر علم تو سقیم

1 . عبارت از این اعتقاد است که خداوند عالم مشیتش را بر حسب مصالحی تغییر میدهد. به خاطر این اعتقاد شیعه امامیه چون خداوند قادر مطلق است و به نص آیهٔ یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب. (فرهنگ فرق اسلامی، ص 31)

اما در معراج پیامبر که فلاسفه به علت اعتقاد به عدم خرق افلاک معتقد به معراج

روحانی هستند. عرفی طبق اخبار دینی به معراج جسمانی معتقد است و چنین میسراید :

لب بگشائی به طلبکاریش
خود بگشاید مژه خواب دوست
دیده او عرض سوادى دهد
بر چمنش آنچه توان میسرای
رخت به آرامگه راز کش
خیز که ایزد کندت جست وجوی
کز قدمت عرش شود بوسه چین
ترک ادب گیر و بگوشش رکاب
باز ممان از جوش ناتوان

5/396 هان نکنی کز پی بیداریش
7/396 از اثر بوی که داند چه بوست
8/396 چون مژه را نیم گشادی دهد
9/396 بلبل وحیی به ترنم در آی
10/396 وانگه ازین شیوه عنان بازکش
11/396 با نفس گرم بجوش و بگوی
12/396 امر چنین است به جان آفرین
13/396 بیش برای مرکب گردون شتاب
14/396 غایشه بر دوش بیاور عنان

نتیجه

شاعر در آستانه سبک هندی شعر سروده است. آمارهای ارائه شده در بررسی مختصات ادبی نشان می‌دهد که برخی از عناصر ادبی که موجب ایجاد دقایق و ظرایفی در معنی و نازک خیالی می‌گردد، در اشعار او بیشتر از عناصر دیگر دیده می‌شود.

در علم بیان شاعر از تشبیه بیش از استعاره استفاده می‌کند و این بسادگی شعر او کمک می‌کند. انواع تشبیه را از جمله تشبیه مضمّر، تشبیه تفضیل، تشبیه مشروط، تشبیه مضمّر تفضیل مشروط، تشبیه حروفی و تشبیه با ارکان آیینی به کار می‌برد.

در بدیع لفظی از جناس بسیار استفاده می‌کند. در بدیع معنوی فراوانی صنایعی که موجب نازک خیالی و غرابت معنایی می‌گردد، بیشتر است. این نوع صنایع مورد توجه شاعران سبک هندی در این سده و سده های بعد قرار می‌گیرد. میتوان از صنایعی مانند حسن تعلیل، حسامیزی، اسلوب معادله، تنسیق الصفات، مشاکله، اسلوب حکیم، تجاهل العارف، تلمیح، تجرید و تناسب نام برد. شاعر در مضامین شعری و مضامین دینی و آیینی نوآوری‌هایی دارد.

با اینکه هفتاد و هفت صفحه از دیوان شاعر به مدح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) اختصاص یافته است، اما تنها در چند بیت محدود به اعتقادات شیعه میپردازد که عبارتند از: جبر و اختیار، شفاعت و قلمرو عقل و شرع. شاعر نیم‌نگاهی به فلسفه دارد اما در مواردی که بین فلاسفه و متشرعه اختلاف است، جانب متشرعه را گرفته است و به آموزه‌های وحیانی اعتماد کرده است.

منابع

1. بررسی تطبیقی جبر و اختیار در آثار سنایی و متکلمان مسلمان، حیدری حسین، مطالعات عرفانی، شماره سوم، 1385
2. تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی جلد چهارم، صفا ذبیح الله، تهران، فردوس، 1372
3. جبر و اختیار از دیدگاه مکتب وحی و مکاتب بشری، سیدان سید جعفر، سمات، شماره ششم، پاییز و زمستان 90
4. دیوان اشعار سنایی، سنایی غزنوی، مقدمه، حواشی و فهرست به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، سنایی، 1363
5. دیوان اشعار خاقانی، خاقانی بدیل الدین علی، تعلیقات ضیاءالدین سجادی، تهران، زوآر، 1338
6. سبک‌شناسی شعر، شمیسا سیروس، تهران، فردوس، 1380
7. سیرکلام در فرق اسلامی، مشکور محمد جواد، شرق، 1368
8. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حسکانی عبیدالله بن عبدالله، محمدباقر محمودی، التابعه لوزاره الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، تهران، 1411ق.
9. عرفی شیرازی، داعی الاسلام، نشریه زبان و ادبیات ارمنغان، دوره نهم، مرداد و شهریور 1307، شماره 65
10. عرفی شیرازی، داعی الاسلام، نشریه زبان و ادبیات ارمنغان، دوره نهم، مهر 1307، شماره 7

11. کلیات اشعار عرفی شیرازی، عرفی شیرازی جمال الدین محمد، به کوشش جواهری

«وجدی»، کتاب خانه سنایی 1357

12. مخزن الاسرار، نظامی الیاس بن یوسف، با تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش

سعید حمیدیان، تهران، قطره، 1376

13. میزان المطالب، تهرانی جواد، قم، در راه حق، 1374

Archive of SID